

نظریه‌ی عمومی جادو

مارسل موس

ترجمه‌ی حسین ترکمن‌نژاد



فهرست

۱	پیش‌گفتار
۹	دیباجه
۱۵	فصل یکم: منابع و زمینه‌ی تاریخی
۲۵	فصل دوم: تعریف جادو
۳۵	فصل سوم: عناصر جادو
۳۵	۱. جادوگر
۶۱	۲. اعمال جادویی
۸۱	۳. بازنمودهای جادویی
۱۱۴	۴. ملاحظات کلی
۱۲۱	فصل چهارم: تحلیل و تبیین جادو
۱۲۲	۱. باور
۱۲۹	۲. تحلیل تبیین‌های ایدئولوژیک درباره‌ی اثربخشی مناسک
۱۴۲	۳. مانا
۱۶۱	۴. حالات جمعی و نیروهای جمعی
۱۸۵	فصل پنجم: نتیجه‌گیری
۱۹۱	نمایه

فصل یکم

منابع و زمینه‌ی تاریخی

دیرزمانی است که جادو موضوع گمانه‌زنی‌ها بوده است. با این حال، مطالعات فیلسوفان، کیمیاگران و متألهان باستان ماهیتی کاملاً عملی داشتند و بیشتر متعلق به حیطه‌ی تاریخ جادو هستند تا تاریخ مطالعات علمی‌ای که بدین موضوع پرداخته. نخستین بار، برادران گریم^۱ به پژوهش علمی در باب جادو پرداختند و آغازگر زنجیره‌ای از مطالعاتی شدند که تحقیقات ما ادامه‌دهنده‌ی آنها به حساب می‌آید.

امروزه ما تکنگاری‌های خوبی درباره‌ی اکثر مضامین مهم جادویی داریم. داده‌ها هم از دیدگاهی تاریخی و هم از منظری تحلیلی جمع‌آوری شده‌اند و اکنون دانشی وسیع در اختیار ماست. از سوی دیگر، برخی مفاهیم نظری مانند انگاره‌ی «بقا» و «جادوی سمپاتیک^۲» مقبولیت یافته‌اند.

نزدیک‌ترین اسلاف علمی ما از لحاظ زمانی، پژوهشگران مکتب انسان‌شناختی هستند که پیش‌تر نظریه‌ی نسبتاً منسجمی درباره‌ی جادو ارائه کرده‌اند. ای. بی.

1. Jacob and Wilhelm Grimm

۲. مقصود جادوی مبتنی بر همانندی یا همجواری است. در فارسی معادل همدلانه قرار داده شده که درست نیست - م.

تایلر^۱ در کتاب خود، فرهنگ ابتدایی^۲، دو بار به این موضوع می‌پردازد. او نخست دیوشناسی^۳ جادویی را با جاندارانگاری^۴ ابتدایی پیوند می‌دهد. او در جلد دوم کتابش از اولین کسانی است که از «جادوی سمپاتیک» یاد می‌کند؛ این اصطلاح آن دسته از آیین‌های جادویی را دربرمی‌گیرد که بنا بر این نظریه، از قوانین سمپاتی [هماندی/همجواری] پیروی می‌کنند: نظیر نظیر خود را تولید می‌کند؛ تماس منجر به سرایت می‌گردد؛ تصویر خود شیء را پدید می‌آورد؛ جزء با کل یکسان در نظر گرفته می‌شود. هدف اصلی تایلر نشان دادن این بود که این آیین‌ها در نظام بقایا^۵ نقشی ایفا می‌کنند. در واقع او به‌جز آنچه از نظریه‌ی عمومی جاندارانگاری به‌دست می‌آید، توضیح دیگری درباره‌ی جادو ارائه نمی‌کند. جورج ویلکن^۶ و سیدنی هارتلند^۷ نیز جادو را مطالعه کردند: ویلکن در زمینه‌ی جاندارانگاری و شمن‌باوری^۸ و هارتلند در زمینه‌ی نمادهای حیات، یعنی برابر انگاشتن در جادوی سمپاتیک و پیوندهایی که بنا بر باور معتقدان بین انسان و شیء یا موجودی که حیات انسان بدان وابسته است وجود دارد. وقتی به جی. جی. فریزر و دابلوی. لمان^۹ می‌رسیم، سرانجام با نظریه‌هایی حقیقی درباره‌ی جادو مواجه می‌شویم. به‌گمان ما آرای فریزر، چنان‌که در ویرایش دوم کتاب شاخ زرین^{۱۰} تقریر شده، روشن‌ترین بیان کل سنتی است که آثار تایلر، سر آلفرد لایل^{۱۱}، اف. بی. جوونز^{۱۲}، ای. لانگ^{۱۳} و اچ. الدنبرگ^{۱۴} همگی بدان تعلق دارند. علی‌رغم اختلاف نظرهایی که این نویسندگان در جزئیات دارند، همگی متفق‌القول‌اند

1. E. B. Tylor
2. *Primitive Culture*
3. demonology
4. animism
5. survivals: اصطلاحی است از تایلر به معنای پدیده‌هایی فرهنگی که پس از به پایان رسیدن شرایطی که در آن رشد کرده‌اند به بقای خود ادامه می‌دهند -م.
6. George Wilken
7. Sidney Hartland
8. shamanism
9. W. Lehmann
10. *The Golden Bough*
11. Sir Alfred Lyall
12. F. B. Jevons
13. A. Lang
14. H. Oldenberg

که جادو نوعی پیش‌علم است؛ از آنجا که این دیدگاه بنیان آرای فریزر را تشکیل می‌دهد، بحث خود را با آن آغاز می‌کنیم. تا آنجا که به آرای فریزر مربوط می‌شود، افعال جادویی آنهایی‌اند که قرار است از طریق کاربرد دو قانون جادوی همسانی، یعنی قانون همانندی و قانون همجواری، تأثیرات خاصی را ایجاد کنند. او به شکل زیر این‌ها را تدوین می‌کند: «نظیرِ نظیرِ خود را تولید می‌کند؛ اشیائی که زمانی در تماس بوده‌اند اما اکنون نیستند، پس از قطع تماس فیزیکی هنوز از راه دور در یکدیگر تأثیر می‌گذارند.» می‌توانیم این پیامد منطقی را نیز اضافه کنیم: «نسبت جزء با کل همانند نسبت تصویر با خود شیء است.» بنابراین، در تعاریف مکتب انسان‌شناختی غالباً «جادو» با «جادوی سمپاتیک» خلط می‌شود. آرای فریزر درباره‌ی این موضوع جزم‌اندیشانه است؛ او هیچ تردیدی به خود راه نمی‌دهد و برای قوانینش استثنایی قائل نمی‌شود. همانندی/همجواری یکی از خصایص کافی و اجتناب‌ناپذیر جادو است؛ تمامی آیین‌های جادویی از نوع سمپاتیک‌اند و همه‌ی مناسک سمپاتیک جادویی‌اند. درست است که جادوگران مناسکی را اجرا می‌کنند که شبیه مناجات‌ها و آیین قربان دینی‌اند و این شباهت‌ها نیز همیشه از سر نقیضه‌سازی یا تقلید نیست؛ این نیز درست است که کاهنان در برخی جوامع گرایش حیرت‌انگیزی به اعمال جادویی دارند، اما از دیدگاه او، همه‌ی این امور واقع تنها نمایانگر اشکالی از تخطی‌اند که در دوران‌های متأخر رخ داده و می‌بایست از تعریف کلی ما، که تنها با جادوی خالص سروکار دارد، حذف شوند.

از این گزاره‌ی نخست می‌توان گزاره‌های دیگر را استنتاج کرد. در وهله‌ی اول، آیین‌های جادویی مستقیماً و بدون میانجی‌گری عاملی روحانی در شیء مورد نظر خود تأثیر می‌گذارند؛ علاوه بر این، اثرگذاری‌شان خودبه‌خودی است. با این حال، تا آنجا که به این دو ویژگی مربوط می‌شود، خصیصه‌ی نخست جهان‌شمول و کلی نیست، زیرا اذعان می‌شود که جادو — در دوره‌ی منحن خود، یعنی زمانی که به دین آلوده شد — شخصیت‌های خدایان و دیوها را از دین به وام گرفت. صدق گزاره‌ی دوم در گرو اولی نیست، زیرا در مواردی هم که میانجی‌هایی داریم، آیین جادویی درست همان‌گونه در آنها اثر می‌گذارد که بر پدیده‌های خارجی؛ جادو اجبار و الزام می‌کند، حال آنکه دین بر سر لطف می‌آورد و آشتی می‌دهد. از نظر فریزر، این